

درنگی بر اختلافات و کاستی‌های آموزش نشانه‌های نگارشی در کتاب‌های درسی نگارش و ویرایش فارسی

عبدالرسول فروتن^۱

چکیده

در گذشته، نشانه‌های نگارشی کاربرد چندانی در خط فارسی نداشتند، اما امروزه این نشانه‌ها به اجزایی جدایی‌ناپذیر از نوشتار فارسی تبدیل شده‌اند. در دوره‌های متأخر و در پی آشنایی ایرانیان با منابع فرنگی، بیشتر این علائم وارد خط فارسی شدند؛ با این حال، فقدان ضوابط مشخص و متناسب با ساختار این خط، اعمال سلیقه‌های فردی و برخی محدودیت‌های چاپخانه‌ای، به بروز نابسامانی‌هایی در کاربرد آن‌ها انجامیده است. این نابسامانی‌ها به کتاب‌های درسی نیز راه یافته و در آن‌ها اختلافات چشم‌گیری در معرفی نشانه‌های نگارشی و تعیین کارکردهای آن‌ها مشاهده می‌شود. حتی درباره پیشینه این نشانه‌ها در خط فارسی نیز اتفاق نظر وجود ندارد. همچنین این کتاب‌ها کاستی‌هایی دارند و با توجه به گسترش فناوری‌های نوین، به طور کلی، نیازمند به‌روزرسانی‌اند؛ برای مثال، برخی نشانه‌ها دیگر کارکردی در نوشتار امروزی ندارند و شایسته است کنار گذاشته شوند؛ در مقابل، افزودن تعدادی نشانه به فهرست علائم ضروری به نظر می‌رسد. بیشتر منابع اطلاعات کامل و دقیقی در خصوص فاصله‌گذاری نشانه‌ها عرضه نکرده‌اند. با توجه به گستردگی منابع، این پژوهش، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، تنها بر مهم‌ترین کتاب‌های درسی (با بیشترین شمار چاپ) تمرکز دارد. بدیهی است هنگامی که درس‌نامه‌ها این چنین دچار اختلاف و کاستی‌اند و در برخی موارد حتی قواعد خود را نقض می‌کنند، آموزش دقیق و کامل نشانه‌های نگارشی به مخاطبان با دشواری روبه‌رو می‌شود. در پایان، پیشنهاد

۱. استادیار، گروه مطالعات ادبی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان سمت، تهران، ایران. رایانامه: forootan@samt.ac.ir

می‌شود که فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در جایگاه نهاد سیاست‌گذار حوزه خط و زبان فارسی، نقش فعالی در سامان‌دهی و یکسان‌سازی قواعد مربوط به نشانه‌های نگارشی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌های نگارشی، خط فارسی، آموزش، کتاب درسی، نگارش و ویرایش.

A Critical Review of the Discrepancies and Shortcomings in the Teaching of Punctuation Marks in Persian Writing and Editing Textbooks

Abdolrasoul Foroutan¹

Abstract

Historically, punctuation marks played only a minor role in Persian script; however, today they have become integral components of Persian writing. In later periods, following exposure to European sources, most of these marks were introduced into Persian. Nevertheless, the absence of clear regulations suited to the structure of the script, alongside individual preferences and certain printing constraints, has led to inconsistencies in their usage. Such inconsistencies have also found their way into school textbooks, where significant divergences can be observed in the presentation of punctuation marks and the specification of their functions. Even with regard to the historical background of these marks in Persian script, no scholarly consensus exists. Moreover, the textbooks suffer from various shortcomings and, given the expansion of modern technologies, they are in general need of revision. For example, some marks no longer serve any practical function in contemporary writing and ought to be discarded, while the inclusion of additional marks appears necessary. Most sources also fail to provide comprehensive and precise information concerning spacing conventions for punctuation. Considering the vast number of available sources, the present study, adopting a descriptive–analytical approach, focuses only on the most widely published textbooks. Evidently, when instructional materials exhibit such divergences and deficiencies — and, in some cases, even contradict their own stated rules—teaching punctuation marks accurately and systematically becomes a challenging task. It is therefore recommended that the Academy of Persian Language and Literature, as the primary policymaking institution in matters of Persian script and language, take an active role in standardizing and regulating the rules governing punctuation.

Keywords: Punctuation marks, Persian script, Education, Textbooks, Writing and Editing.

1. Assistant Professor, Department of Literary Studies, Research Institute for Humanities Development, SAMT Organization, Tehran, Iran. Email: forootan@samt.ac.ir .

مقدمه

امروزه نشانه‌های نگارشی در متون نقش مهمی را بر عهده دارند؛ به گونه‌ای که تصور نوشتن متن بدون استفاده از این نشانه‌ها امکان‌پذیر نیست. برای این علائم دو نقش عمده در نظر گرفته‌اند: اول، جبران‌کننده بازتاب نیافتن آهنگ گفتار (مثلاً آهنگ خیزان در جمله پرسشی خالی از ادات استفهام) و دوم، نشان‌دهنده ساخت جمله و پیوند اجزای آن یا استقلال جمله و یا ارتباط جمله‌ها با هم (سمیعی، ۱۳۹۵: ۸۵). به طور کلی، از این علائم برای کمک به انتقال سریع‌تر و بهتر پیام استفاده می‌شود.

البته باید توجه داشت که نحوه به کارگیری این نشانه‌ها در زبان‌های گوناگون، با توجه به نوع خط و طرز چینش کلمات، متفاوت است. برای نشان دادن این امر می‌توان زبان نوشتاری فارسی را با دو زبان نوشتاری مهم عربی و انگلیسی مقایسه کرد. تلفظ کلمات در خط فارسی غالباً ثبت نمی‌شود. هنگام افزودن واژه‌ها به هم نیز غالباً از کسره اضافه‌ای عموماً نامکتوب (در مواردی به همراه «ی» یا «یاء اتر» بر روی «هائ ناملفوظ») بهره برده می‌شود، مانند: «دانشگاه تهران»، «خرمایِ بم» و «نامه باستان». حتی در متون ادبی، افزودن بیش از دو واژه (تابع اضافات) امری هنری و زیبا تلقی شده است؛ زیرا آهنگین شدن کلام را به دنبال دارد. گاه جایگاه کلمات در یک جمله با توجه به تأکید نویسنده متفاوت است. ضمن اینکه همواره نشانه‌ای برای تعیین نقش نحوی وجود ندارد.

در نوشته‌های عربی همچنان از حرکت‌گذاری، کم و بیش، استفاده می‌شود. در این زبان، تابع اضافات ناپسند و گاه غیرممکن است؛ زیرا در عربی، هر کلمه در زمان اضافه شدن با توجه به موقعیت نحوی خود حرکتی متفاوت با کلمه بعدی دارد؛ برای مثال، آیه دوم سوره مریم دیده شود (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۵). افزوده شدن برخی حروف هم نقش کلمات را نشان می‌دهد (مانند «مؤمنون» در حالت مرفوع و «مؤمنین» در حالت منصوب و مجرور).

در نوشتار انگلیسی تلفظ حروف و واژه‌ها درج می‌شود؛ اگرچه امروزه تلفظ بعضی واژه‌هایش متفاوت است. همچنین در این زبان، اضافه شدن کلمات عموماً با 's' (برای نشان دادن مالکیت)، of (برای روابط کلی‌تر و مفهومی)، صفت ملکی (برای تخصیص مالکیت به یک اسم) صورت می‌گیرد، مانند: My brother and Student's uniforms, Tehran University, University of Tehran. براساس این مقایسه مختصر می‌توان چنین نتیجه گرفت که مخاطب در متون فارسی معمولاً با ابهام بیشتری مواجه است. در مواردی، آن‌گاه که بحث زیباآفرینی مد نظر باشد، این ابهام پسندیده شمرده می‌شود؛ اما غالباً چنین نیست و غرض اصلی از ایراد جملات (رساندن پیام) با ابهام محقق

نمی‌شود؛ از این رو استفاده از نشانه‌های نگارشی بایسته‌تر است. پس کاربرد نشانه‌های نگارشی باید با توجه به ویژگی‌های هر زبان و حتی ظاهر خط تعریف شود. به‌طور کلی، بومی‌سازی نشانه‌ها و توجه به ساختار نحوی زبان در تعیین کارکردشان اهمیت فراوان دارد. برخی بر آنند که «وجود مدّ، تشدید و مصوت‌های کوتاه فتحه، ضمه، کسره، علائم نصب و جر و ضمّ عربی، حروف پرنقطه و پردندانه در زبان فارسی» ضرورت استفاده از نشانه‌های نگارشی را از بین می‌برد (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۳)؛ اما در واقع چنین نیست. از مصوت‌های کوتاه هم اغلب استفاده نمی‌شود.

متأسفانه نوشته‌های فارسی از منظر کاربرد نشانه‌های نگارشی قاعده‌مند نیستند. در متون مختلف انواع ایرادها و نایکدستی‌ها مشاهده می‌شود؛ به طوری که گاه در اثری واحد و نقشی خاص، دو نشانه مختلف به کار رفته است. این مسئله دو دلیل اصلی دارد: اولاً این علائم به‌طور تدریجی و به تقلید از زبان‌های دیگر وارد خط فارسی شده‌اند و هیچ نهادی مسئولیت ساماندهی آن‌ها را بر عهده نگرفته است. دوم اینکه در این موضوع، کتاب‌های درسی نگارش و ویرایش نکات پراکنده و بعضاً متناقضی مطرح کرده‌اند. آموزش نگارش و ویرایش فارسی و از جمله آموزش کاربرد نشانه‌های نگارشی بر پایه این کتاب‌های درسی بوده است. این کتاب‌ها که قریب به اتفاق آن‌ها در پنجاه سال اخیر (پس از رواج ویراستاری) تألیف شده‌اند، منابع مورد مراجعه نویسندگان و پژوهشگران برای نوشتن هم به شمار آمده‌اند.

هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، جلب توجه متخصصان نگارش و ویرایش فارسی و متولیان این حوزه به ضرورت ایجاد وحدت رویه و تسهیل در آموزش نشانه‌گذاری است. این تحقیق در پی یافتن پاسخ‌هایی به این پرسش‌ها است: چه تفاوت‌ها، اختلافات و ناهماهنگی‌هایی میان درس‌نامه‌های نگارش و ویرایش فارسی وجود دارد؟ مهم‌ترین ایرادات این درس‌نامه‌ها چیست؟ آیا محتوای این آثار نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی است؟ اختلافات و ایرادات احتمالی چه تأثیری بر فرایند آموزش نشانه‌های نگارشی می‌گذارد؟

روش پژوهش

در این مقاله، مهم‌ترین منابع آموزش نگارش و ویرایش فارسی گردآوری و در آن‌ها بخش مربوط به نشانه‌های نگارشی به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. بر این

اساس، ضمن شناسایی مهم‌ترین آثار و مطابقت دادن مطالب آن‌ها، کاستی‌ها و اختلافات هر یک در محورهای اساسی آموزش نشانه‌های نگارشی طبقه‌بندی و تحلیل شده است. همچنین کوشیده شده راهکارهای عملی برای رفع این مشکلات پیشنهاد شود.

پیشینه پژوهش و منبع‌شناسی نگارش و ویرایش

در دهه‌های اخیر با توجه به اهمیت درست‌نویسی و ویرایش در اصلاح و ارتقای کیفیت نوشتار فارسی (در تمام رشته‌ها و موضوعات) و نیز در پی اثبات نقش ویرایش در بهبود متن، برگزاری کارگاه‌ها، ایجاد درس‌های مرتبط دانشگاهی^۱ و یک گرایش تخصصی^۲، در این موضوع آثار متعددی در قالب کتاب و مقاله منتشر شده است (← خندان، ۱۳۹۴ و نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۴۳-۱۶۲). به طور کلی می‌توان این منابع را در پنج گروه جای داد:

۱. کتاب‌های درسی نگارش و ویرایش: در این آثار عموماً اصول کلی و مثال‌های متعددی برای نگارش و ویرایش نوشته‌ها (شامل مواردی مثل: راه‌های پرورش معانی، رسم‌الخط، پرهیز از الگوبرداری از زبان‌های دیگر و اشتباهات رایج زبانی) برای تدریس در دانشگاه‌ها و یا کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی عرضه شده است. تعدد آثار منتشر شده در این دسته و محدودیت حجم مقاله باعث می‌شود معیارهایی برای بررسی آن‌ها در این مقاله در نظر بگیریم؛ مهم‌ترین معیار می‌تواند تعداد چاپ (نوبت چاپ) و شمارگان (تیراژ) آن اثر باشد؛ اما چون متأسفانه منبع معتبر و در دسترس برای جمع شمارگان هر کتاب وجود ندارد، همان نوبت چاپ (با استفاده از اطلاعات مندرج در وبگاه کتابخانه ملی تا پایان سال ۱۴۰۳) مد نظر قرار گرفته است.

در این دسته، معتبرترین و یا پرتیراژترین آثار که حداقل شش چاپ از آن‌ها منتشر شده است، به ترتیب از نظر تعداد چاپ بیشتر عبارتند از: *راهنمای نگارش و ویرایش* (یا حقی

۱. مانند درس‌های «آیین نگارش» مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (مصوب ۱۳۶۶)، «آیین نگارش و ویرایش»، «کارگاه ویراستاری ۱» و «کارگاه ویراستاری ۲» مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (مصوب ۱۳۹۱)، «آیین نگارش و ویرایش فارسی» مقطع کارشناسی مترجمی زبان عربی (مصوب ۱۳۹۱)، «نگارش فارسی» مقطع کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی (مصوب ۱۳۹۷) و «آیین نگارش و اصول ویرایش» مقطع کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه (مصوب ۱۳۸۲)

۲. گرایش «ویرایش و نگارش» برای مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (مصوب ۱۳۹۳)

و ناصح، ۱۳۷۷ / چاپ سی و چهارم، ۱۳۹۸)،^۱ نگارش و ویرایش (سمیعی، ۱۴۰۱، چاپ بیست و دوم)، آیین نگارش (سمیعی، ۱۳۹۵ / چاپ هفدهم، ۱۴۰۳)، راهنمای ویرایش (غلامحسین زاده، ۱۳۹۶ / چاپ شانزدهم، ۱۴۰۳)، آیین نگارش و ویرایش ۱ (انوری و پشت‌دار، ۱۳۸۲ / چاپ دوازدهم، ۱۴۰۲)، آیین نگارش و ویرایش (صافی، ۱۳۹۸ / چاپ یازدهم، ۱۴۰۳)، بهتر بنویسیم (بابایی، ۱۴۰۱، چاپ نهم)، آموزش ویراستاری و درست‌نویسی (ذوالفقاری، ۱۳۹۵ / چاپ نهم، ۱۴۰۲)، انواع ویرایش (طریقه‌دار، ۱۴۰۰، چاپ هشتم) و از فن نگارش تا هنر نویسندگی (احمدی گیوی، ۱۳۹۲، چاپ ششم). اکثر کتاب‌هایی که در بالا با معیار بیش از پنج نوبت چاپ ذکر شده‌اند، نویسندگان معتبری دارند. این آثار قطعاً نقش مهمی در آموزش نگارش و ویرایش داشته‌اند. در میان دو کتاب مذکور از سمیعی، در آیین نگارش صرفاً به نشانه‌ها اشاره‌ای گذرا شده و حتی کاربرد مهم‌ترین آن‌ها بیان نشده است؛ به همین دلیل در اینجا صرفاً در موارد ضروری اشاراتی بدان خواهد شد. همچنین، در صورت وجود چند اثر از یک نویسنده (مثلاً انوری یا ذوالفقاری)، کتاب جامع‌تر و دارای نوبت چاپ بیشتر مبنای تحلیل قرار گرفته است.

۲. کتاب‌های نگارش و ویرایش با اهداف ویژه: منظور کتاب‌هایی است که برای آموزش آماده‌سازی کتاب، شیوه نگارش علمی، مقاله‌نگاری، نگارش مکاتبات اداری و جز آن نوشته شده‌اند. در این گونه کتاب‌ها هم بنا به ضرورت به آموزش نشانه‌های نگارشی توجه شده است. مهم‌ترین آن‌ها با توجه به تعداد چاپ عبارت است از: آیین نگارش مکاتبات اداری (امینی، ۱۳۹۵ / چاپ سی و هفتم، ۱۳۹۹)، آیین نگارش مقاله علمی-پژوهشی (فتوحی، ۱۳۹۵ / چاپ بیست و پنجم، ۱۴۰۲)، گزارش‌نویسی؛ نگارش، ویرایش و پژوهش (ماحوزی، ۱۳۸۳ / چاپ هجدهم، ۱۳۹۷) و آیین نگارش علمی (حری، ۱۳۸۵ / چاپ هشتم، ۱۴۰۰). جز این‌ها، لازم است از کتاب بسیار تأثیرگذار راهنمای آماده ساختن کتاب (ادیب سلطانی، ۱۳۷۴ / چاپ چهارم، ۱۳۹۳) هم یاد شود. این کتاب از نخستین آثاری بود که به طور مفصل و در کنار شناخت اجزای کتاب، مسائل مربوط به چاپ و صحافی و غیره به نگارش و نشانه‌های آن پرداخت.

۳. فرهنگ‌های درست‌نویسی و ویرایش: این دسته از منابع به صورت مدخل‌های الفبایی تنظیم شده‌اند و بیشتر بر املا و کاربرد درست واژگان تمرکز دارند. غلط‌نویسیم

۱. در این پژوهش در این گونه موارد از چاپی که ابتدا و در سمت راست ممیز دیده می‌شود، استفاده شده و سمت چپ ممیز، آخرین چاپ و نوبت آن آمده است.

(نجفی، ۱۳۷۶)، فرهنگ درست‌نویسی سخن (انوری و عالی عباس آباد، ۱۳۹۰) و دست‌نامه ویرایش (صفرزاده، ۱۳۹۶) از این جمله‌اند.

۴. نکته‌نگاری‌ها و یادداشت‌های پراکنده: در این منابع، نکته‌ها، حواشی و یادداشت‌های پراکنده در قالب کتاب عرضه شده است. کتاب‌هایی مثل نکته‌های ویرایش (صلح‌جو، ۱۳۹۴) و له و علیه ویرایش (اقتصادی‌نیا، ۱۴۰۲). مقالات منتشرشده در حوزه نگارش و ویرایش را هم می‌توان در این دسته جای داد.

۵. کتاب‌های موضوعی: در این آثار تمرکز روی بخش خاصی از موضوع است؛ مانند آنچه درباره دستور خط فارسی مستقلاً چاپ شده است. درخصوص نشانه‌های نگارشی تاکنون چند کتاب منتشر شده است: نشانه‌گذاری (پژوه، ۱۳۴۶)، جلد پنجم شیوه‌نامه ویرایش با عنوان «نقطه‌گذاری» (محمدی‌فر، ۱۳۸۱) و آخرین کتاب که کامل‌تر و به‌روزتر است با نام دانش نشانه‌گذاری در خط فارسی (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳). اثری هم با نام نقطه‌گذاری در نوشتار فارسی از ناصر مجد به سال ۱۹۹۶ در لندن منتشر شده است که متأسفانه دسترسی به آن میسر نشد. کتابی هم به صورت خاص به کاربرد ویرگول پرداخته است و البته در باب مسائل دیگر هم مطالبی دارد: ویرگول‌گذاری و مبانی نظری آن (افشاری، ۱۳۹۵).

در بررسی‌های این مقاله، با توجه به محدودیت حجم، کتاب‌های مذکور در دسته نخست و سپس دسته پنجم در اولویت قرار گرفته‌اند؛ هرچند در صورت لزوم به سایر منابع استناد شده است. در این آثار طبعاً حجم توضیحات مربوط به نشانه‌گذاری متغیر است؛ برای مثال، انوری و پشت‌دار (۱۳۸۲) کمترین (یک صفحه) و کتاب‌های دسته پنجم بیشترین توضیحات را ارائه کرده‌اند.

مقالات متعددی نیز درباره تاریخچه بهره بردن از نشانه‌ها در نسخه‌های خطی فارسی و عربی، مسائل کلی استفاده از نشانه‌های نگارشی و یا اشتباه کتاب‌های مختلف در کاربرد آن‌ها در دست است؛ اما صرفاً یک مقاله در بررسی نارسایی‌ها و اختلافات کتاب‌های نگارش و ویرایش در آموزش نشانه‌گذاری مشاهده شد: احمدی‌دارانی و کرامتیان‌فرد (۱۴۰۱) در مقاله‌ای که برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است، منتخبی از شیوه‌نامه‌های نگارش و ویرایش فارسی را از منظر نشانه‌گذاری نقد و تحلیل کرده‌اند. در پژوهش مذکور، منابع نقدشده به گستردگی منابع مقاله پیش رو نیست. مؤلفان کاربرد نشانه‌های نگارشی در منابع منتخب را به ترتیب آورده و ضمن تطبیق آن‌ها پیشنهادهایی مطرح

کرده‌اند. دایره موضوعات مطرح شده در آن پژوهش و پیشنهادها هم محدودتر از نکات مذکور در مقاله حاضر است؛ برای نمونه، از «نشانه‌های نوظهور»، «مرز نشانه‌های نگارشی و عناصر دیداری» و «فاصله گذاری» سخنی به میان نیامده است. احمدی دارانی و کرامتیان فرد نوشته‌اند: «در بررسی کاربرد علائم نگارشی، تنها آن دسته از اختلاف دیدگاه‌هایی نقد و بررسی شده است که نویسندگان برای یک کاربرد مشخص (گاه بدون ذکر دلیل) چندین نشانه پیشنهاد داده یا گاهی نیز دیدگاه‌های متفاوتی برای کاربرد علائم نگارشی مطرح کرده‌اند». نگارنده این سطور با وجود جستجو در سامانه‌های مربوط به مقالات، از انتشار این مقاله اطلاعی نداشت تا اینکه پس از اتمام نگارش و به‌واسطه تذکر یکی از ارزیابان بدان رجوع کرد؛ بنابراین اشتراکات موجود بدون توجه به آن مقاله بوده است. با این حال، در ویراست نهایی پژوهش، ارجاعات لازم به مقاله مزبور داده شد.

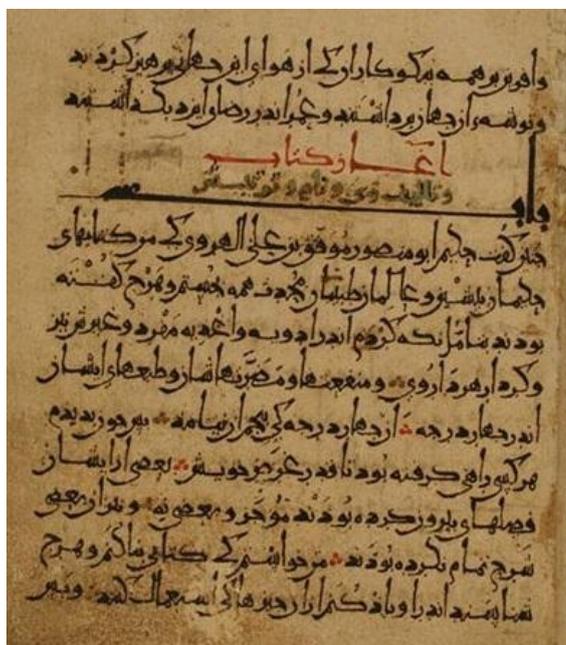
همچنین در پژوهش دیگری، صاحب‌جمعی (۱۳۷۷) مقاله «درباره نقطه گذاری» را با این جملات آغاز می‌کند: «در میان عناصر ساختاری جمله‌ها در زبان فارسی، هیچ‌یک بیش از نقطه گذاری گرفتار هرج و مرج و آشفتگی نیست؛ شاید به این سبب که در زبان فارسی امروز و برای فارسی‌زبانان هیچ عنصری بیگانه‌تر و ناخوانده‌تر از عنصر نقطه گذاری نیست». او با اشاره به پیشینه استفاده از نشانه‌ها در زبان‌های یونانی، لاتین و انگلیسی به اشتباه می‌افزاید: «هیچ‌گونه سنت و سابقه نقطه گذاری در تاریخ کتابت زبان فارسی وجود ندارد». او اظهار نظر کردن صاحب‌نظران زبان‌شناس درباره بی‌دقتی‌ها، سهل‌انگاری‌ها و لغزش‌های اهل قلم در کاربرد این نشانه‌ها در متون فارسی را شگفت‌آور می‌داند و برای نمونه، از چند مقاله چاپ‌شده در مجله *ایران‌شناسی* شواهدی ذکر می‌کند. اما همان‌گونه که پیش از این نوشته شد، در مقاله پیش رو کتاب‌های نوشته‌شده در حوزه نگارش و ویرایش بررسی می‌شود.

سابقه نشانه گذاری در ایران

با توجه به ضرورت بحث و اشاره صاحب‌جمعی مبنی بر نبود سابقه نشانه گذاری در متون فارسی، در این بخش به اختصار به این پیشینه پرداخته می‌شود. بی‌گمان، اشاره به این تاریخچه در منابع آموزشی و درسی سودمند است. سابقه استفاده از نشانه‌های نگارشی به شکل امروزی در متون فارسی را عمدتاً به دو قرن اخیر نسبت می‌دهند؛ دوره‌ای که با تأثیرپذیری از غرب و همزمان با گسترش صنعت چاپ، نشانه گذاری در ایران رواج یافت (فتوحی، ۱۳۹۵: ۴۱). احمدی گیوی (۱۳۹۲: ۴۹) این سابقه را محدود به اواخر قرن گذشته

و به تقلید از نوشته‌های اروپایی می‌داند. به باور ذوالفقاری (۱۳۹۵: ۲۷) «هیچ نوع نشانه‌گذاری شاخصی در کتابت زبان فارسی تا پیش از آشنایی ایرانیان با زبان و خط ملل غربی وجود نداشته است».

سمیعی گیلانی (۱۳۹۵: ۸۵) بر آن است که کاربرد نشانه‌های سجاوندی در کتابت سنتی فارسی رایج نبوده است. او می‌افزاید این رسم از غربیان گرفته شده و بی‌آنکه با مقتضیات زبان ما تطبیق داده شود، غالباً بی‌کم‌وکاست در ترجمه‌ها از آن پیروی شده است. اقتصادی‌نیا (۱۴۰۲: ۱۲۹) می‌نویسد که «ما در کتابت قدیم اصلاً سجاوندی نداشته‌ایم؛ حال آنکه همین عنوان «سجاوندی» می‌تواند نشانه‌ای از آن سابقه باشد. محمدبن طیفور سجاوندی غزنوی در قرن ششم هجری قمری علامت‌هایی برای وقف در قرائت قرآن مجید ابداع کرد تا بدانجا که «سجاوندی کردن مصحف» و «قرآن سجاوندی دار / با سجاوندی» مصطلح شد (← قروینی، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۲۵). همین سابقه سبب شد که هنگام اقتباس نشانه‌های جدید از خطوط فرنگی، واژه «سجاوندی» به این علائم نیز اطلاق شود. از سوی دیگر، استفاده از نشانه‌هایی برای جدا کردن جملات یا عبارات از دیرباز در برخی متون فارسی رایج بوده است. البته کاربرد این نشانه‌ها لزوماً همچون روزگار کنونی برای مواردی چون مکث یا پایان جمله نبوده است. این نشانه‌ها اغلب در مواردی به کار می‌رفت که مطلبی به پایان می‌رسید و سیاق سخن دگرگون می‌شد؛ یعنی کاربردی مشابه بند یا پاراگراف امروزی داشته‌اند (صفری آق‌قلعه، ۱۴۰۰: ۱۷۵ و ۱۷۶). برای مثال، در کهن‌ترین نسخه شناخته شده و تاریخ‌دار فارسی، یعنی *الابنیه عن حقایق الادویه* اثر ابو منصور موفق هروی به خط اسدی طوسی مورخ ۴۴۷ ق، نشانه‌هایی مثل سه نقطه (*) دیده می‌شود:



تصویر ۱ صفحه‌ای از آغاز (ص ۳) نسخه خطی الانبیه عن حقایق الادویه به خط اسدی طوسی

در برخی خطوط ایرانی پیش از اسلام (مانند: میخی، اوستایی، مانوی و پهلوی) هم نشانه‌هایی وجود داشته است. برای پرهیز از طولانی شدن مقاله از ذکر این موارد خودداری می‌شود (برای نمونه‌ها ← ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۹، ۸۱، ۱۶۷ و ۱۸۱). با وجود نشانه‌هایی همچون نقطه در نسخ خطی فارسی، نشانه‌گذاری امروزی فارسی به روشنی برگرفته از سنت نگارشی غربی است. البته نوشته‌اند که اعراب اسپانیا در آخر هر جمله استفهامیه حرف «ض» (مخفف «ضی» معادل «شک است») را کتابت می‌کرده‌اند. اقوام اروپایی آن را در متون خود نوشتند و به مرور آن را تغییر دادند تا به شکل «؟» در آمد (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۰). در ایران، این نشانه‌های فرنگی در برخی از نسخه‌های متأخر دیده می‌شود. در زمان رواج چاپ سنگی، سنت‌های نسخه‌نویسی قدیم پابرجا ماند؛ زیرا حروف چینی ضرورتی نداشت و آنچه کتابت می‌شد به چاپ می‌رسید. با ورود چاپ سربی که مستلزم حروف چینی بود و نیز رواج ترجمه از زبان‌های اروپایی، نشانه‌های نگارشی به صورت جدی‌تری وارد کتابت فارسی شد. در ابتدا به علت محدودیت‌های فنی صنعت چاپ، متنوع نبودن حروف چاپی و دشواری اعراب‌گذاری، برای متمایز ساختن واژه‌ها گاهی از پراتز استفاده می‌شد یا برای جلوگیری از خواندن کلمه با کسره اضافه، پس از آن ویرگول می‌گذاشتند (سمیعی، ۱۳۹۵: ۸۶).

نکته مهمی که در ادامه این مقاله به آن استناد خواهد شد، کوشش برای متناسب‌سازی برخی نشانه‌ها با توجه به ویژگی‌های خط فارسی (از راست به چپ نوشتن، اهمیت خط زمینه و شکل کلمات با توجه به ظرافت و انحناهای موجود در حروف) است. این تغییرات به تدریج و در طول زمان، به‌ویژه در نشانه‌هایی مانند ویرگول (،)، نقطه‌ویرگول (؛)، نشانه پرسشی (?) و گیومه (“”) پدید آمد؛ در واقع این نشانه‌ها را که در متون غربی به این شکل بودند، با خط فارسی متناسب‌سازی کردند.

نامگذاری نشانه‌ها

نام این نشانه‌ها را از دو منظر می‌توان بررسی کرد: اول، از منظر کلی و معادل واژه‌ای که در زبان انگلیسی punctuation نامیده می‌شود؛ دوم، نامی که برای هر کدام از نشانه‌ها وضع شده است.

۱. نامگذاری کلی

جالب توجه اینکه در نام این نشانه‌ها در میان منابع درسی فارسی اختلاف نظر فراوان است. در جدول ۱ عنوان‌هایی که ذیل آن این نشانه‌ها معرفی شده‌اند، مشاهده می‌شود. ممکن است ذیل هر عنوان از یک یا چند عنوان دیگر هم بهره گرفته شده باشد که همین امر نیز نشانگر پراکندگی و اختلاف در برگزیدن یک نام واحد است. برخی از این عناوین به نام این عمل دلالت دارند:

جدول ۱ نامگذاری کلی بر مبنای عمل در کتاب‌های دسته اول و پنجم

عنوان	منابع
نشانه‌گذاری	پژوه، ۱۳۴۶: ۱
	غلامحسین زاده، ۱۳۹۶: ۳۳
	صافی، ۱۳۹۸: ۱۰۸
	نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۳
	ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۲۶
	انوری و پشت‌دار، ۱۳۸۲: ۳۵
نقطه‌گذاری	بابایی، ۱۴۰۱: ۱۷۸
	یاحقی و ناصح، ۱۳۷۷: ۶۳
	احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۴۹
	محمدی‌فر، ۱۳۸۱: ۴۳۷

در این میان، بهترین و شایع‌ترین نام «نشانه‌گذاری» است. «نقطه‌گذاری» به این علت که اصولاً به یکی از این نشانه‌ها اشاره دارد، مناسب نمی‌نماید. در برخی دیگر از کتاب‌ها نام کلی برای نشانه‌ها مطرح شده است:

جدول ۲ نامگذاری کلی نشانه‌ها در کتاب‌های دسته اول و پنجم

عنوان	منابع
(نشانه‌های) سجاوندی	نیکویخت و قاسم‌زاده: همان‌جا سمیعی، ۱۳۹۵: ۸۱
نشانه‌های فصل و وصل	سمیعی، ۱۴۰۱: ۲۹۵
علائم ویرایشی	صافی: همان‌جا
علامت‌های نقطه‌گذاری	طریقه‌دار، ۱۴۰۰: ۲۴۱

عنوان «سجاوندی» به دلیل شهرت و سابقه استفاده از نشانه‌های وضع شده به دست سجاوندی رایج شده است؛ هرچند این نشانه‌های جدید غالباً خاستگاهی غربی دارند. سمیعی گیلانی در مهم‌ترین کتاب نگارشی و ویرایشی خود (۱۴۰۱) این علائم را «نشانه‌های فصل و وصل» نامیده که برگرفته از علم معانی است؛ هرچند پیش‌تر (۱۳۹۵) «نشانه‌های سجاوندی» نامیده بود. به این نشانه‌ها «علائم ویرایشی» نیز گفته‌اند. از آنجا که این نشانه‌ها در اصل به نگارش مربوطند و در صورت استفاده نادرست در ویرایش اصلاح می‌شوند، نباید این عنوان را به کار برد. به جای این عنوان می‌توان از «نشانه‌های نگارشی» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۴۱) که عنوان دقیق‌تری است، استفاده کرد.

۲. نام هر یک از نشانه‌ها

نام هر علامت می‌تواند در فهم صحیح یا اشتباه کاربرد آن مؤثر باشد. همچنین به طور کلی اگر در منابع درخصوص نام هر کدام از نشانه‌ها نظر واحدی وجود داشته باشد، سهولت یادگیری را در پی خواهد داشت. در این بخش به اختلافات در خور توجه میان منابع درسی در این نامگذاری‌ها اشاره می‌شود؛ با این توضیح که در برخی منابع نشانه‌های بیشتری آمده است (بیشترین نشانه در کتاب نیکویخت و قاسم‌زاده با حدود پنجاه مورد). در اینجا به نشانه‌های پرکاربرد بسنده شده است. ضمن اینکه در برخی منابع نشانه‌های مهمی معرفی نشده‌اند. البته خارج از این کتاب‌ها، معادل‌های دیگری نیز برای این نشانه‌ها پیشنهاد شده که بدان‌ها پرداخته نخواهد شد. برای پرهیز از تکرار ملال‌آور، ارجاعات مربوط به «نام هر یک از نشانه‌ها» به صورت یکجا در بالای جدول ۳ آمده است:

جدول ۳ نام رایج‌ترین نشانه‌های نگارشی در منابع منتخب

بابایی، ۱۴۰۱: ۱۷۸-۱۷۹ و ۲۸۱-۲۷۵	محمّدی فر، ۱۳۸۱: ۴۳۷-۵۳۶	طریقه‌دار، ۱۴۰۰: ۲۴۱-۲۵۹	انوری و پشت‌دار، ۱۳۸۲: ۳۶	پژوه، ۱۳۴۶: ۱-۱۷۲	ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۲۹-۶۱	نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۲۷	احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۹	صافی، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۱۰	یاحقی و ناصح، ۱۳۷۷: ۶۳-۷۶	غلامحسین‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۳-۶۳	سمیعی، ۱۴۰۱: ۲۹۶-۳۰۶	.
نقطه	نقطه	نقطه	نقطه	یک نقطه	نقطه	نقطه	نقطه	نقطه / ایست‌نما	نقطه	نقطه	نقطه	؟
پرسش‌نما	نشانه سؤال	علامت سؤال	نشانه سؤال	یک قلاب	علامت سؤال	نشانه پرسش	علامت پرسش	استفهام / پرسش‌نما / داس	علامت سؤال	نشانه پرسش	نشانه پرسشی	!
شگفت‌نما	نشانه تعجب	علامت تعجب	نشانه تعجب و عاطفه	الف نقطه	علامت تعجب	نشانه عاطفی	علامت عاطفی	تعجب / هیجان‌نما / گرز	علامت تعجب	نشانه عاطفی	نشانه تعجب	،
ویرگول	کاما	ویرگول	نشانه مکث / ویرگول / کاما	سرکج	ویرگول / کاما	ویرگول / درنگ‌نما	ویرگول / کاما	ویرگول / درنگ‌نما	ویرگول / درنگ‌نما	ویرگول	ویرگول	

بابایی، ۱۴۰۱: ۱۷۸-۱۷۹ و ۲۸۱-۲۷۵	محمدی فر، ۱۳۸۱: ۴۳۷-۵۳۶	طریقه دار، ۱۴۰۰: ۲۴۱-۲۵۹	انوری و پشت‌دار، ۱۳۸۲: ۳۶	پژوه، ۱۳۴۶: ۱۷۲-۱	ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۲۹-۶۱	نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۲۷	احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۹	صافی، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۱۰	یاحقی و ناصح، ۱۳۷۷: ۶۳-۷۶	غلامحسین‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۳-۶۳	سمیعی، ۱۴۰۱: ۲۹۶-۳۰۶	
					درنگ‌نما		درنگ‌نما	عصا				
نقطه‌ویرگول	سمی کالن	نقطه‌ویرگول	نقطه‌بند / نقطه‌ویرگول	نقطه‌سرکج	نقطه‌ویر گول	نقطه - ویرگول / نقطه - کاما / نقطه - بند / درنگ - نقطه	نقطه ویرگول	نقطه‌ویرگول / جدایی‌نما / فتر	نقطه - ویرگول	نقطه‌ویر گول	نقطه ویرگول	؛
دونقطه	دونقطه	دونقطه	دونقطه	دونقطه	دونقطه بیانی	دونقطه	دونقطه	دونقطه / هشدارنما	دونقطه	دونقطه	دونقطه	:
سه‌نقطه	×	سه‌نقطه	[بدون نام]	چندنقطه	سه‌نقطه	تعلیق / سه‌نقطه	علامت تعلیق	سه‌نقطه / افتادگی‌نما	سه‌نقطه	نشانه حذف و تعلیق	نشانه تعلیق	...
گیومه	گیومه	گیومه	نقل قول / گیومه	دوسرکج	گیومه	گیومه	گیومه / برجسته‌نما	گیومه / برجسته‌نما	علامت نقل قول /	گیومه	نشانه نقل قول	« »

بابایی، ۱۴۰۱: ۱۷۹-۱۷۸ و ۲۸۱-۲۷۵		پرانتر
محمدی فر، ۱۳۸۱: ۴۳۷-۵۳۶		پرانتر
طریقه‌دار، ۱۴۰۰: ۲۵۹-۲۴۱		پرانتر
انوری و پشت‌دار، ۱۳۸۲: ۳۶		دو کمان / دو ابرو / پرانتر
پژوه، ۱۳۴۶: ۱۷۲-۱		دو کمان
ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۶۱-۲۹		پرانتر / کمانک
نیکو بخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۲۷		پرانتر / دو کمان / دو هلال / دو ابرو / گریزنا
احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۵۹-۴۹		پرانتر / کمانک / هلالین
صافی، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۰۸	دو عصا	پرانتر / کیهان / گریزنا
یاحقی و ناصح، ۱۳۷۷: ۷۶-۶۳	گیومه	پرانتر / دو هلال
غلامحسین زاده، ۱۳۹۶: ۶۳-۳۳		پرانتر
سمعی، ۱۴۰۱: ۳۰۶-۲۹۶		پرانتر / هلالین / کمان
		()

همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، هیچ کدام از نشانه‌ها در این منابع نامی یکسان و هماهنگ ندارند؛ در حالی که این‌ها جزو رایج‌ترین نشانه‌ها به شمار می‌آیند. در نام نشانه‌های کم کاربردتر اختلاف بیشتری دیده می‌شود. برای نامگذاری «.» و «:» اتفاق نظر بیشتری وجود دارد؛ زیرا واژه «نقطه» در خط فارسی (و حتی در مفاهیم تاریخی مانند «جنبش نقطویه») پیشینه دارد. کوشیده‌اند برای نقطه معادل «ایست‌نما» و در منابع ذکر نشده در جدول ۳، معادل‌هایی مثل «نشانه ایست» (ادیب سلطانی، ۱۳۷۴: ۸۶) و «نشانه ایست کامل» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۴۳) وضع کنند که البته هیچ کدام رایج نشده است. در این میان برخی نامگذاری‌ها شگفت آور است؛ مانند «داس» یا «یک‌قلاب» برای «؟»، «جدایی‌نما» و «فتر» برای «؛»، «دوسرکج» و «دوعصا» برای «» و نام انگلیسی «سمی‌کالن» برای «!». در برخی منابع هم نام در نظر گرفته شده برای نشانه‌ای عیناً نامی است که در منبع دیگر برای نشانه‌ای متفاوت استفاده شده است؛ مثلاً نیکوبخت و قاسم‌زاده و برخی دیگر از مؤلفان (غلامحسین‌زاده، یاحقی و ناصح، ذوالفقاری، طریقه‌دار) نام «س» را «ابرو» نهاده‌اند. مجدداً نیکوبخت و قاسم‌زاده و نیز ادیب سلطانی (۱۳۷۴: ۹۹) «ابرو» را به این نشانه «{ }» اطلاق کرده‌اند. برخی هم این نشانه را «دو ابرو» شمرده‌اند (ماحوزی، ۱۳۸۳: ۲۶۵). این عنوان «دو ابرو» را نیکوبخت و قاسم‌زاده و نیز انوری و پشت‌دار به «()» داده‌اند. «!» را سمیعی، صافی و ذوالفقاری «نشانه / علامت تعجب» نامیده‌اند. صافی آن را «هیجان‌نما» و «گرز» هم نامیده است. غلامحسین‌زاده، احمدی گیوی و نیکوبخت و قاسم‌زاده به آن «نشانه / علامت عاطفی» اطلاق کرده‌اند. با توجه به کارکرد این نشانه، نام اخیر برای آن مناسب‌تر است. البته هیچ کدام از نام‌ها به استفاده دیگر این علامت، یعنی پس از منادا، اشاره ندارند. اخوان ثالث با توجه به همین نکته آن را «نقطه خطاب و ندا» نامیده است (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۹). امروزه پس از منادا بیشتر از ویرگول استفاده می‌شود (← صفرزاده، ۱۳۹۶: ۱۲۴)؛ اما ایراد این روش آن است که اگر از حرف ندا استفاده نشود، مخاطب باید جمله را تا پایان بخواند تا متوجه شود که آنچه پس از ویرگول آمده، منادا بوده است. در این صورت می‌توان از «!» بهره برد (← احمدی دارانی و کرامتیان‌فرد، ۱۴۰۱: ۸۰). «» در اغلب منابع با عنوان «ویرگول» معرفی شده که نام فرانسوی آن^۱ است. با این حال، نام‌های دیگری هم به آن داده‌اند. در این میان، به دلیل آنکه آن را نشانه وقف یا مکث کوتاه دانسته‌اند، «نشانه

درنگ» (ادیب سلطانی) یا «نشانه درنگ کوتاه» (فتوحی)، «نشانه مکث» (انوری و پشت‌دار) و «درنگ‌نما» (نیکوبخت و قاسم‌زاده، صافی، ذوالفقاری، احمدی گیوی) رایج‌تر است. به این نشانه «کاما» هم گفته شده (فتوحی، احمدی گیوی، ذوالفقاری) که در واقع نام انگلیسی آن^۱ است. پژوه و نیز امینی (۱۳۹۵: ۲۱۲) آن را «سرکج» گفته‌اند. صافی هم نام عجیب «عصا» به آن داده است. معادل ویرگول در عربی «الفارزه» (در معنی جداکننده) یا «الفاصله» یا «الفصله» گذاشته شده (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱) که با توجه به کاربردش معنی مناسب‌تری دارد؛ در واقع ویرگول برای نشان دادن مرز میان کلمات برای جلوگیری از بدخوانی است (افشاری، ۱۳۹۵: ۵۱ و ۸۱). با توجه به اینکه نام‌های دربردارنده کلمات «درنگ» و «مکث» می‌توانند باعث کاربرد اشتباه شوند، استفاده از «ویرگول» مناسب‌تر می‌نماید. اگر درنگ ملاک استفاده از ویرگول باشد، اشخاص بیمار و مسن در گفتار خود درنگ بیشتری انجام می‌دهند؛ پس باید در نوشتار خود از ویرگول‌های بیشتری استفاده کنند. بسیاری از نشانه‌ها (مثل: نقطه ویرگول، دونقطه، سه نقطه و خط فاصله) هم همین درنگ را در کلام ایجاد می‌کنند. «۴» را عموماً «نقطه ویرگول» نامیده‌اند. نیکوبخت و قاسم‌زاده آن را با اسامی «نقطه - ویرگول»، «نقطه - کاما»، «نقطه - بند» و «درنگ - نقطه» آورده‌اند. یاحقی و ناصح از این خط کوتاه میان «نقطه - ویرگول» هم استفاده کرده‌اند. علت بهره بردن از خط فاصله در میان نام‌ها، با وجود امکان استفاده از نیم‌فاصله روشن نیست. صافی آن را با نام‌های شگفت‌آور «جدایی‌نما» و «فتر» نیز معرفی کرده است. «...» این نشانه در اغلب منابع، در تناسب با «نقطه» و «دونقطه»، «سه نقطه» نامیده شده است. سمیعی و احمدی گیوی صرفاً به آن «تعلیق» گفته‌اند. نیکوبخت و قاسم‌زاده در کنار «سه نقطه» به آن «تعلیق» هم اطلاق کرده‌اند. غلامحسین‌زاده آن را «حذف و تعلیق» نامیده که به نسبت سایر نام‌ها دقیق‌تر است. صافی به آن «افتادگی‌نما» هم گفته است.

«۵» عموماً گیومه نامیده شده که اصلاً نام فرانسوی آن^۲ است. آن را «نشانه نقل قول» (سمیعی، یاحقی و ناصح، انوری و پشت‌دار)، «برجسته‌نما» (احمدی گیوی، صافی)، «دو عصا» (صافی)، «دوسرکج» (پژوه)، «نشانه برجسته‌سازی و نقل» (فتوحی) و «دو ویرگول» (ماحوزی) هم نامیده شده است. هیچ‌یک از این معادل‌های برساخته برای گیومه نمی‌توانند کاربردهای آن را به خوبی منعکس سازند. بنابراین بهتر است از همان «گیومه» استفاده شود.

1. Comma
2. guillemet

آنچه در بالا ذکر شد، تنها نمونه‌ای از این اختلافات بود. می‌توان ادامه بحث را با توجه به منابع دیگر نگارش و ویرایش به تفصیل بیان کرد. این گونه اختلافات و یا معادل‌گذاری‌های نامأنوس، ممکن است سردرگمی یادگیرندگان و حتی تمسخر بحث را در پی داشته باشد. به هر روی، بسیاری از این نشانه‌ها نامی متناسب با زبان فارسی دارند، مثل: نقطه، علامت سؤال یا نشانه پرسشی، دو نقطه، سه نقطه، قلاب، خط، پیکان و ستاره. در این موارد ضرورتی در تغییر نام و وضع نامی ناشناخته دیده نمی‌شود. در موارد دیگر هم بهتر است یکی از نام‌های فرنگی که رایج‌تر است و یا ترکیبی از آن نام فرنگی و نقطه بهره برد، مثل: ویرگول، نقطه ویرگول، پرانتز و گیومه.

کاربرد نشانه‌ها در شعر فارسی و متون ادبی

تنها نکته‌ای که در برخی کتاب‌های درسی درباره کاربرد این نشانه‌ها در شعر فارسی آمده، این است که «در شعر سنتی از کاربرد نشانه‌های فصل و وصل پرهیز می‌شود» (سمیعی، ۱۴۰۱: ۳۰۶) و یا «در حدی که از اشتباه جلوگیری کند و به درست خواندن شعر کمک کند، لازم است» (غلامحسین زاده، ۱۳۹۶: ۳۳). با این حال، در مواردی بدون ضرورت از نشانه‌های نگارشی بهره برده شده است؛ برای نمونه، فتوحی (۱۳۹۵: ۴۴) در این مصراع از حافظ که «یا وفا یا خبر وصل تو یا مرگ رقیب» پیش از دو «یا» میانی از دو ویرگول استفاده کرده است. در شعر سنتی فارسی، وزن شعر راهنمای مناسبی برای خواندن آن است. ضمن اینکه خواندن به گونه‌های مختلف و ابهام در آن (افزودن به کلمه بعدی یا به سکون خواندن) موجب زیبایی آفرینی شعر سنتی می‌شود. در شعر شاعران بزرگی مثل حافظ این نکته بسیار دیده می‌شود. آنچه در منابع نیامده و اشاره بدان لازم می‌نماید این است که نشانه‌گذاری در ادبیات امروزی تفاوت‌هایی دارد. در شعر نو و داستان مدرن و پسامدرن فارسی از نشانه‌های نگارشی با آگاهی و به صورت اندیشیده بهره برده شده است. این نشانه‌ها به بخشی از ساخت اثر ادبی تبدیل شده‌اند؛ به گونه‌ای که حذف آن‌ها مانع از انتقال کامل منظور شاعر یا نویسنده می‌شود. حتی در برخی از شعرهایی که قالب کلاسیک دارند، این مسئله دیده می‌شود. برای مثال، در این شعر از قیصر امین‌پور (۱۳۸۶: ۱۰۹) نشانه سه نقطه کارکرد تعلیق و تأمل دارد و مکثی دراماتیک در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند:

۱. اینکه در بسیاری از منابع از نام «تیره» یا «خط تیره» استفاده شده، چون اساساً فرانسوی (tiret) است و در فارسی معنای دیگری دارد، مناسب نیست.

حرف‌ها دارم اما... بزnm یا نزنم؟ با توام، با تو! خدا را، بزnm یا نزنم؟

نشانه‌گذاری‌های این بیت مطابق چایی است که زیر نظر شاعر منتشر شده و به احتمال قریب به یقین بر اساس دیدگاه‌های اوست. در آثار شاعران معاصر «دایرة این نقش‌های قراردادی به حوزه شعر، به‌ویژه شعر آزاد، گسترده شده و ناقدان نیز آن‌ها را تفسیر و توجیه می‌کنند؛ به تعبیری، نشانه‌های سجاوندی از کاربرد قراردادی خود به کار بست ذوقی و سبکی تغییر ذائقه می‌دهد و به ساخت شعری و نشانه‌ معنایی مستقل بدل می‌شود» (هوشنگی، ۱۴۰۱: ۲۸۸). در داستان‌های مدرن هم، کم‌وبیش، نشانه‌های نگارشی وارد بافت سبکی شده‌اند. یکی از نخستین نمونه‌های چشم‌گیر آن در انتهای داستان داش آکل هدایت دیده می‌شود؛ آنجا که از نشانه سه نقطه برای القای وضعیت جسمانی و نوع تکلم داش آکل در حال احتضار استفاده شده است (← هدایت، ۱۳۳۳: ۶۱-۶۲). در داستان‌های پسامدرن از نشانه‌ها به صورت نامتعارف و هنجارشکنانه استفاده شده است؛ برای مثال، پس از حرف ربط «که» - در جایی که منطقی‌جمله به پایان نرسیده است - نقطه آمده و یا از سه ویرگول پیایی بهره برده شده است (برای بررسی این کاربردها و نمونه‌های بیشتر ← یعقوبی و منتشلو، ۱۳۹۱: ۱۶۸-۱۵۹).

نشانه‌های منسوخ

بعضی نشانه‌هایی که در منابع نگارش و ویرایش مطرح شده‌اند، امروزه یا به کلی منسوخ‌اند یا دست کم در برخی کاربردها دیگر استفاده نمی‌شوند؛ از این رو روزآمدسازی کاربرد آن‌ها ضروری است. می‌توان همچنان این موارد را با هدف بیان تاریخچه و آشنا شدن با کاربردها در گذشته در درس‌نامه‌ها گنجانده؛ اما باید توصیه کرد که از به کارگیری آن‌ها پرهیز شود؛ برای مثال، خط بلند کشیده که نشانه تکرار در بخش منابع و کتابنامه است (—————)، قدیمی و مربوط به دوران دشوار حروف چینی سنتی است. امروزه با توجه به اینکه از یک سو، ساختار نوشته‌های تحقیقاتی (به صورت فایل دیجیتال) تا پیش از انتشار پیوسته دستخوش تغییر می‌شود و از سوی دیگر، ترتیب الفبایی منابع به آسانی با ابزارهای رایانه‌ای اصلاح پذیر است، این خط بلند کشیده باعث سردرگمی در اصلاح بخش منابع خواهد بود. با این حال، این نشانه در منابعی معرفی شده (← ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۴؛ غلامحسین زاده، ۱۳۹۶: ۶۲؛ فتوحی، ۱۳۹۵: ۵۵) و حتی به صورت ناشناخته‌تر «-----» (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۴) یا خط بلند «-» (انوری و عالی عباس آباد، ۱۳۹۰: ۳۳۲) هم آمده است.

افزون بر این خط بلند کشیده و خطی که برای برجسته‌سازی زیر واژه‌ها می‌کشند، در برخی منابع میان «خط» یا «تیره بزرگ» یا «خط پیوند» یا «خط ربط» (ـ) (به اندازه طول پنج نقطه در فارسی) با «نیم‌خط» یا «خط فاصله» یا «تیره کوتاه» (ـ) (به اندازه طول سه نقطه در فارسی) تفاوت قائل شده و برای هر یک نقش‌هایی در نظر گرفته‌اند (پژوه، ۱۳۴۶: ۹۶-۱۰۴؛ سمیعی، ۱۴۰۱: ۳۰۳ و ۳۰۵؛ نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۷؛ ماحوزی، ۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۵۹؛ ادیب سلطانی، ۱۳۷۴: ۱۰۰-۱۰۴). این تمایز محل تأمل است. در یکی از منابع (ادیب سلطانی: همان‌جا) نشانه دیگری نیز با عنوان «سه‌چهارم خط» معرفی شده است. محمدی‌فر (۱۳۸۱: ۴۷۴-۴۷۶) چهار نوع خط با عناوین «تیره فصل»، «تیره وصل دائمی»، «تیره وصل موقت» و «تیره حروف» معرفی کرده است. با توجه به ناشناخته بودن انواع این خطوط، حتی در میان متخصصان، و در راستای ساده‌سازی پیشنهاد می‌شود که به صرفاً از یک نوع خط (همان «نیم‌خط») استفاده شود؛ با تأکید بر اینکه در میان حروف، متناسب با خط فارسی و روی خط زمینه آورده شود و در میان اعداد بالاتر از خط کرسی قرار گیرد. احمدی دارانی و کرامتیان‌فرد (۱۴۰۱: ۶۸) هم بر آنند که «نشانه‌های تیره کوتاه یا بلند تفاوت‌های معنایی و مفهومی پدید نمی‌آورند و ارزش یکسانی در متن دارند؛ پس ضرورتی ندارد که نشانه خط فاصله را با دو عنوان یا حتی سه عنوان متفاوت و به همراه کاربردهای خاص در نظر گرفت».

نیکوبخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳: ۲۹) درباره کاربرد خط پیوند یا ربط نوشته‌اند که وقتی بخشی از یک کلمه مشتق یا مرکب ناتمام مانده باشد و بخشی به آغاز سطر بعد منتقل شده باشد، باید در پایان سطر قبلی خط پیوند گذاشت. دو مثالی که ذکر کرده‌اند هیچ‌کدام خط پیوند ندارد. کاربردهای دیگری هم که در ادامه ذکر کرده‌اند، همه را می‌توان با خط فاصله انجام داد و نیازی به خطی که دو نقطه پهنای بیشتری داشته باشد، احساس نمی‌شود. غلامحسین‌زاده (۱۳۹۶: ۵۹) هم «ـ» را برای شکستن کلمه‌ای که در پایان سطر نمی‌گنجد، توصیه می‌کند. ماحوزی (۱۳۸۳: ۲۵۷) به آن نام «تیره احاله» داده و محمدی‌فر (۱۳۸۱: ۴۷۵) به آن «تیره وصل موقت» اطلاق کرده است. باید توجه داشت که امروزه اگر صفحه کلیدی استاندارد در رایانه نصب شده باشد، این شکستن کلمه هرگز رخ نخواهد داد. پس لازم است که در درس‌نامه‌ها ضمن اشاره به اشتباه بودن این شکسته شدن، راهکارهای روزآمد ارائه دهند. نشانه «r» یا «r» که به آن «نشانه تکرار» یا «دوباره‌نویسی» یا «ایضاً» گفته و نام‌های دیگری نیز داده‌اند چنین است. استفاده از این نشانه در دستنویس

بلامانع است؛ اما نباید در نوشته‌های رسمی به کار رود (برای نمونه، ← غلامحسین زاده، ۱۳۹۶: ۶۳؛ فتوحی، ۱۳۹۵: ۵۵؛ یاحقی و ناصح، ۱۳۷۷: ۷۵؛ نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۴؛ طریقه‌دار، ۱۴۰۰: ۲۵۸). بنابراین توصیه‌هایی مبنی بر ساماندهی کاربرد آن و لزوم تطابق تعداد این نشانه با شمار کلمات محذوف (امینی، ۱۳۹۵: ۲۳۲) مردود است. نشانه «||» در میان فرهنگ‌های معتبر فقط در لغتنامه دهخدا (دهخدا و همکاران، ۱۳۷۷) برای تفکیک معانی استفاده شده است و در فرهنگ‌های به‌روزتر مانند فرهنگ بزرگ سخن (انوری و همکاران، ۱۳۸۱) و نیز لغتنامه فارسی^۱ (مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۸۹) از شماره‌گذاری و نشانه‌های رایج نگارشی بهره برده شده است. همچنین در فرهنگ جامع زبان فارسی (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲) «||» نشانه‌ای برای تفکیک شواهد قرون مختلف است؛ از این رو معرفی آن به منظور تفکیک معانی (غلامحسین زاده: همان‌جا؛ نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۴؛ فتوحی، ۱۳۹۵: ۵۳) کامل و به‌روز نیست. ماحوزی (۱۳۸۳: ۲۶۹)، پژوه (۱۳۴۶: ۱۵۹) و امینی (۱۳۹۵: ۲۳۴) معتقدند که می‌توان از «**» به جای ارجاع به منبع و یا جایی استفاده کرد؛ حال آنکه امروزه اختصاراتی مثل «رک»، «نک» و حتی «←» رواج دارد.

نشانه‌های نوظهور

در عالم نشانه‌ها پویایی نیز وجود دارد؛ همان‌گونه که نشانه‌هایی منسوخ شده‌اند، نشانه‌هایی نیز به‌تازگی رواج یافته‌اند. فناوری‌های نوین به‌ویژه در حوزه رایانه (مثلاً سهولت آماده‌سازی متن در نرم‌افزار ورد) و ابزارهای ارتباطی (مانند پیام‌رسان‌ها) نقش مهمی در این تغییرات دارند. امروزه عمدتاً به جای دست به قلم شدن، دست به صفحه‌کلید (در رایانه، تلفن همراه یا تبلت) می‌شوند. در ایران، استفاده از شکلک‌های مختلف، همچون «:)»، «☺» و «☹» برای بیان احساسات در میان دانش‌آموزان و دانشجویان رواج یافته است. حتی آنان در نوشته‌های رسمی مثل برگه‌های امتحانی هم از شکلک استفاده می‌کنند. یکی از این شکلک‌ها («اشک شوق» یا «صورت با اشک شادی»)^۳ به عنوان لغت

۱. این فرهنگ بزرگ را مؤسسه لغت‌نامه دهخدا تهیه و منتشر می‌کند. تاکنون هشت مجلد آن (تا اوایل حرف «ب») منتشر شده و علامت یادشده به‌ندرت در جلد نخست آن به کار رفته است.

2. Emoji

3. Face with Tears of Joy

سال ۲۰۱۵ از طرف فرهنگ لغت آکسفورد برگزیده شد^۱ که معنای عمیق و رای آن و نیز محبوبیتش را نشان می‌دهد. این شکلک‌ها را می‌توان مکمل نشانه‌های نگارشی دانست که در زبان دیجیتال نقشی کلیدی دارند. شکلک‌ها لحن جمله را تنظیم می‌کنند و یا جایگزین برخی نشانه‌ها می‌شوند. پس این‌ها را می‌توان نوعی علائم نگارشی مدرن در نظر گرفت. از دیگر نشانه‌های نوظهور می‌توان به هشتک، ضربدر، آت‌ساین و تیک اشاره کرد. نیکوبخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳: ۱۰۶) بعضی از نشانه‌های مذکور را در جدولی تحت عنوان «نشانه‌های کم کاربرد و تک‌کاره در زبان فارسی» معرفی کرده‌اند که کافی نیست. در عین حال، در همین جدول نشانه‌هایی دیده می‌شوند که در نگارش امروز فارسی عملاً کاربردی ندارند (مثل: «&» و «©»).

مرز نشانه‌های نگارشی و عناصر دیداری

آیا می‌توان هر طرح یا نماد رسم شده در متن را نشانه نگارشی محسوب کرد؟ به نظر می‌رسد که در تعریف نشانه‌های نگارشی باید امر «مانع بودن» را جدی‌تر لحاظ کرد. اینکه در متن طرحی کشیده شود که در بیش از یک سطر جای گیرد و یا در میان دو کلمه یا دو حرف خاص نباشد، به واسطه شبیه بودن آن طرح با نشانه‌ای نگارشی، نمی‌توان آن را جزو این دسته به شمار آورد. این نکته با مثالی روشن‌تر می‌شود. یکی از نشانه‌های نگارشی «دوا برو» یا «آکولاد» ({}) است که عمدتاً در ریاضی و علوم مشابه آن کاربرد دارد. اگر برای نشان دادن موارد مضمول یک عنوان، علامت بزرگی مشابه آکولاد باز ({}) بیاید، این را هم می‌توان جزو کاربردهای آکولاد دانست؟ در منابعی چنین کاربردی را برای آکولاد متصور شده‌اند (← ماحوزی، ۱۳۸۳: ۲۶۵؛ نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۸). بر این اساس، چنانچه همین دسته‌بندی با خطوط مختلفی که از سمتی به هم می‌پیوندند و از سمتی باز می‌شوند (برای مثال، تصویر مذکور در فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۰۹) نشان داده شود (نشانه‌های درون‌خطی و عناصر بصری)، این خطوط هم نشانه‌های نگارشی به شمار می‌آیند؟ اگر در متون از دیگر اشکال هندسی، مانند دایره، یا شکل‌های پیچیده‌تر، مثل «روندنما»^۲، استفاده شود، باز هم همین حکم جاری است؟ نمونه دیگر، تصور استفاده از خط یا نیم‌خط برای کشیدن حروف در متون، به‌ویژه برای هم‌ترازی مصراع‌های مختلف یک شعر است

1. <https://languages.oup.com/word-of-the-year/2015/1404> آخرین بازدید در ۲۲ تیر ۱۴۰۴
2. Flowchart

(نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۷؛ محمدی‌فر، ۱۳۸۱: ۴۷۶). در خوشنویسی ایرانی گاه بعضی حروف را کشیده‌تر می‌نویسند؛ اما این افزایش طول نشانه‌ای افزون بر خود حرف به شمار نمی‌آید. آنچه دیده می‌شود صرفاً شکل تغییر یافته همان حرف است، نه یک علامت نگارشی مستقل. علاوه بر این، امروزه با بهره‌گیری از نرم‌افزارهایی چون ورد، این هم‌ترازی و کشش به سادگی و بدون نیاز به دستکاری در حروف، از طریق گزینه‌های هم‌ترازی کم^۱، هم‌ترازی متوسط^۲ و هم‌ترازی زیاد^۳ انجام می‌شود. موضوع ایتالیک نوشتن و مورب‌نویسی هم در برخی منابع (صافی، ۱۳۹۸: ۱۱۰؛ ماحوزی، ۱۳۸۳: ۲۷۰؛ نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۸) به مثابه یکی از روش‌های نشانه‌گذاری متن مد نظر بوده است. به این نکته در منابع فرنگی نیز توجه شده است (دیویدسن^۴، ۲۰۰۵: ۲۵۲). لازم است در درس‌نامه‌ها تأکید شود که مورب‌نویسی باید با توجه به ساختار نوشتاری خط فارسی و به صورت ایرانیک (خوابیده به سمت چپ) انجام گیرد تا ضمن حفظ خوانایی، با بافت بصری متن فارسی نیز هماهنگ باشد. بنابراین بهره‌گیری از قلم‌های استاندارد که قابلیت نمایش حروف ایرانیک را در محیط‌های نوشتاری مختلف داشته باشند، ضروری است.

ابهام و اختلاف در کاربرد نشانه‌ها

اطلاعات مندرج در درس‌نامه‌های نگارشی و ویرایش همواره پاسخ‌گوی تمام پرسش‌های مخاطبان درباره نقش و شیوه کاربرد نشانه‌های نگارشی نیست. این کاستی‌ها گاه به بروز اختلاف نظر در شیوه‌های بهره‌بردن از آن‌ها می‌انجامد؛ برای مثال، آیا می‌توان جمله را هم در میان پرانتز آورد؟ تعریفی که برخی کتاب‌های آموزشی از کارکرد پرانتز در این بحث داده‌اند، بر «کلمه» و «عبارت» تأکید دارد، نه «جمله» (← سمیعی، ۱۴۰۱: ۳۰۴؛ یاحقی و ناصح، ۱۳۷۷: ۷۰؛ احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۵۳). عبارت مجموعه‌ای از واژه‌های مرتبط بدون فعل و عموماً کوتاه‌تر از جمله است. با این حال، در برخی از همین منابع می‌توان جملاتی یافت که در پرانتز قرار گرفته‌اند (← سمیعی، ۱۴۰۱: ۲۷۷). بابایی (۱۴۰۱: ۲۷۹-۲۸۰) توصیه می‌کند که اگر توضیح کلمه یا مفهومی به «عبارتی کامل» نیاز داشت، به جای پرانتز از خط تیره یا ارجاع به پانویس استفاده شود. سایر منابع عموماً حکم کلی تری داده‌اند؛ مثل: «برای در آغوش گرفتن هر گونه برافزوده جمله (اشارات معترضه)» (پژوه، ۱۳۴۶:

1. Justify Low
2. Justify Medium
3. Justify High
4. Davidson

(۱۳۱)؛ «برای جدا کردن توضیح‌های نسبتاً اضافی» (غلامحسین زاده، ۱۳۹۶: ۵۴) و «در دو سوی جملات یا عبارات معترضه و توضیحی» (حری، ۱۳۸۵: ۱۰۸). در این منابع شواهدی که جمله در پرانتز جای گرفته هم آمده است. به طور کلی و با توجه به تعدد منابعی که استفاده از جمله در پرانتز را پذیرفته‌اند، می‌توان این امر را مقبول دانست؛ اما بهتر است توصیه بابایی را در نظر داشت. به این نکته نیز تصریح نشده است که اگر جمله در پرانتز آورده شود، آیا باید در انتهای آن و پیش از بستن پرانتز از نقطه استفاده کرد یا نه. اگر جمله درون پرانتز مستقل و کامل است، باید نقطه و یا نشانه پرسش گذاشته شود. با این حال، اگر جمله کامل درون پرانتز و میان جمله کامل دیگری باشد، جمله کامل وسط جمله نمی‌تواند نقطه مستقل بگیرد (محمدی‌فر، ۱۳۸۱: ۴۸۰). مثال دیگر، وضعیتی است که در آن قبل از بستن گیومه، باز کردن گیومه دیگری لازم باشد. این ضرورت زمانی حاصل می‌شود که نقل قولی آورده و درون آن نقل قول دیگری ذکر شود. همچنین ممکن است در نقل قولی برجسته کردن کلمه یا کلماتی ضروری باشد. در تمام درس‌نامه‌ها به این وضعیت اشاره نشده است. سمیعی به آن «نقل در نقل» می‌گوید و توصیه می‌کند که یکی از دو نقل قول («شامل» و «مندرج») درون «» و دیگری درون گیومه تک انگلیسی (‘ ’) قرار گیرد (سمیعی، ۱۴۰۱: ۳۰۲ و ۳۰۳). این نکته را یاحقی و ناصح (۱۳۷۷: ۶۷) و حری (۱۳۸۵: ۱۰۶) هم متذکر شده‌اند. طریقه‌دار (۱۴۰۰: ۲۵۳) بر آن است که باید نقل قول دوم درون علامت نقل قول زوج (” ”) گذاشته شود. ماحوزی (۱۳۸۳: ۲۶۰) در هر دو مورد از گیومه‌هایی همسان استفاده کرده است. نیکوبخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳: ۵۹) پیشنهاد کرده‌اند که قبل از نقل قول دوم دو نقطه گذاشته شود. در هر حال همان‌طور که گفته شد این لزوم همواره به دلیل نقل در نقل نیست. غلامحسین زاده (۱۳۹۶: ۵۳) و فتوحی (۱۳۹۵: ۴۸) در این موارد به طور کلی پیشنهاد می‌کنند که از شکل‌های دیگر گیومه استفاده شود. در ادامه به این نکته بیشتر پرداخته خواهد شد که نشانه ‘ ’ و یا ” ” با خط فارسی متناسب نیست. پیشنهاد می‌شود به جای آن از نشانه «گوشه» یا «پرانتز شکسته» یا «کمان شکسته» < > که در واقع گیومه مفرد فارسی است، استفاده شود. این علامت از نظر گرافیکی مطابقت بیشتری با خط فارسی دارد. این پیشنهاد را امینی (۱۳۹۵: ۲۲۸) نیز مطرح کرده است. در برخی منابع (حری، ۱۳۸۵: ۱۱۱؛ فتوحی، ۱۳۹۵: ۵۴) این علامت را برای نشان دادن عنوان کتاب یا مجله‌ای که اصل آن به فارسی ترجمه نشده، ولی عنوان آن در دست‌نوشته به فارسی برگردانده شده است، معرفی کرده‌اند. این کاربرد بسیار نادر و نسبتاً ناشناخته است.

بومی سازی نشانه‌ها

چنانکه در بخش «سابقه نشانه گذاری در ایران» اشاره شد، پس از ورود نشانه‌های فرنگی به خط فارسی، تغییراتی با هدف متناسب سازی آن‌ها با خط فارسی انجام شد. نمونه دیگرش تغییری است که برای کاربردی ویژه در سرزمین‌های اسلامی صورت گرفته و آن بهره بردن از پراتز گل دار برای آیه‌های قرآن مجید است. با این حال، همچنان نشانه‌هایی نامتناسب در درس‌نامه‌های نگارش و ویرایش دیده و یا توصیه می‌شود. رایج‌ترین نشانه نامتناسب گیومه انگلیسی (") است (← حری، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

فتوحی کاربرد آن را درست می‌داند و می‌افزاید: در نگارش فارسی دو شکل گیومه رواج بیشتری دارد: یکی گیومه جفت بی گوشه فرانسوی که روی خط قرار می‌گیرد و دیگری گیومه جفت انگلیسی که بالاتر از خط و در قسمت بالایی حروف می‌نشیند. هر دو نوع گیومه در فارسی کاربرد دارد: گیومه بی گوشه فرانسوی برای نقل قول مستقیم؛ گیومه جفت انگلیسی برای برجسته کردن واژه و اصطلاح و عنوان (فتوحی، ۱۳۹۵: ۴۷-۴۸). برخی هم استفاده از گیومه انگلیسی برای نشان دادن ترتیب و توالی اعداد و حروف را در متون علمی غیر ضروری، اما در فضای مجازی و سامانه‌ها قابل قبول دانسته‌اند (احمدی دارانی و کرامتین فرد، ۱۴۰۱: ۷۷). تجویز چنین اشتباهاتی شایسته و پذیرفتنی نیست و باعث نایکدستی می‌شود.

در مقابل، پژوهی که نخستین پژوهشگری است که در این موضوع کتاب مفصلی منتشر کرده، می‌نویسد: چون دوسرکج انگلیسی به واسطه مشابهت با واو فارسی ممکن بود مشکلاتی را در قرائت ایجاد کند، لذا مورد قبول نیافته و چون رسم الخط فرانسوی آن به علت شباهت به چهار دال کوچک فارسی که دوبه دو متصل به هم و معکوس یکدیگر باشند، مناسب‌تر بود؛ از این روی از همان آغاز نفوذ علائم نشانه گذاری به خط فارسی، رسم الخط فرانسوی یعنی گیومه که ما آن را دوسرکج نامیده‌ایم در خط فارسی پذیرفته شده و قبول عامه یافته است (پژوه، ۱۳۴۶: ۱۲۲). همچنین قبلاً اشاره شد که نشانه ' یا " که برای نقل قول مندرج و یا برعکس توصیه شده است، با خط فارسی متناسب نیست؛ به این دلیل که روی خط زمینه یا کرسی قرار ندارد و دو بخش آن نیز با هم متفاوت است.

اجتناب از کاربرد مداوم

در آموزش نشانه‌های نگارشی، تأکید بر استفاده به‌هنگام و میانه‌روی در استفاده از آن‌ها

حائز اهمیت است. در این میان به دو نشانه‌ای که تکرار مداوم آن‌ها شایع‌تر است، پرداخته می‌شود (برای بحث دربارهٔ افراط در استفاده از دو نشانهٔ سه نقطه و ممیز ← اقتصادی‌نیا، ۱۴۰۲: ۱۲۴-۱۳۰):

۱. ویرگول: برخی ویراستاران از آن بسیار بهره می‌برند؛ تا بدانجا که به ویراستار، «ویرگول‌استار» هم گفته‌اند. چون سمیعی ویرگول را مجزاکنندهٔ عبارت‌های قیدی و غیره می‌داند، از آن بسیار استفاده کرده است. برای نمونه، در این جمله که از کتاب او عیناً آورده می‌شود، شاید فقط ویرگول پایانی برای رفع ابهام مفید باشد و سایر موارد اضافی است: «لذا، اهل قلم باید، در این زمینه، حساسیت نشان دهند و، به دور از کاهلی و آسان‌جویی، زبان ملی را برای بیان مفاهیم تازه آماده سازند» (سمیعی، ۱۴۰۱: ۲۳۳-۲۳۴). افشاری برخی از این نمونه ویرگول‌ها را «ویرگول نابجا» می‌نامد و به جای آن از نشانهٔ درنگ^(۴) استفاده می‌کند. این مثال از متن همان کتاب است: «نشان دادیم که ویرگول، نشانهٔ درنگ نیست و کاربرد آن به مثابهٔ درنگ، بنیاد قواعد ویرگول‌گذاری را ویران می‌کند» (افشاری، ۱۳۹۵: ۸۱). نشانهٔ درنگ پیشنهادشده به الف ابتر شباهت دارد و ممکن است باعث بدخوانی شود. می‌توان در مواردی به جای آن از ساکن استفاده کرد. برای مثال مینوی و حیدری در تصحیح اخلاق ناصری از این روش استفاده کرده‌اند. برای متون قدیم، بهره بردن از ساکن در عوض ویرگول نابجا بسیار مناسب است. سمیعی هم از آن استفاده کرده است (← سمیعی، ۱۴۰۱: ۴۴ و ۳۰۳).

۲. نشانهٔ عاطفی: باید توجه شود که به طور کلی، این علامت مناسب متون رسمی و علمی نیست؛ زیرا در این موضوعات نوعی تمسخر از آن برداشت می‌شود. اخوان ثالث با تأکید بر استفادهٔ اندک از این نشانه، به درستی معتقد است که «تعجب و تمسخری اگر باشد، به عهدهٔ معنی آن است که آن را برساند، ثانیاً به عهدهٔ خواننده که آن را دریابد؛ نه به عهدهٔ نشانه‌های رسم الخطی که چیزی خواهد بود جدا از معنی و از خارج تحمیل بر خواننده» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۹).

تکرار متناوب نشانه

عموماً این نکته در منابع ناگفته مانده که تکرار یک نشانه به صورت بلافاصله و بدون اینکه کلمه یا حرفی در میانشان باشد (مثلاً «،،» یا «..» یا «:») صحیح نیست. اکنون، به‌ویژه در فضای مجازی رایج شده که اگر کسی بخواهد پرسش خود را جدی‌تر نشان دهد، از دو یا

چند «؟» در کنار هم بهره می‌برد و یا هنگام تعجب از بیش از یک «!» استفاده می‌کند. نباید از این شیوه در متون رسمی استفاده کرد؛ مثل آنچه در یکی از کتاب‌های نگارشی (ماحوزی، ۱۳۸۳: ۲۴۳) دیده می‌شود. البته برخی «!» را نشانه تعجب و «!!» را علامت تمسخر گرفته‌اند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۵۰). درباره «.» و «...» هم باید تأکید کرد که برای مثال در پایان جمله باید یک نقطه گذاشت و برای نشان دادن حذف در متن دقیقاً باید از سه نقطه استفاده کرد؛ اما اگر قرار باشد نقطه چین گذاشته شود، می‌توان با توجه به فضای مد نظر از نقطه‌های کنار هم بهره برد. طبعاً نقطه چین با سه نقطه تفاوت دارد. پس اینکه گفته‌اند «برای تعداد نقطه‌های نشانه حذف نمی‌توان محدودیتی قائل شد» (پژوه، ۱۳۴۶: ۴۶)، صحیح نمی‌نماید. در متون تصحیح شده پیشنهاد می‌شود زمانی که مشخص است و یا حدس زده می‌شود چند کلمه از جمله عمداً یا سهواً حذف شده است، دقیقاً به جای هر کلمه یک سه نقطه به کار رود و میان آن‌ها فاصله باشد (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۶۰). این قاعده قابل تعمیم به موارد دیگر است. با این حال، در یکی از تصحیح‌های معتبر متون کهن به جای سه نقطه از دو نقطه استفاده شده که صحیح نیست (رواقی، ۱۴۰۰: ۲۲۰).

مجاز یا ممنوع بودن استفاده از دو نشانه در کنار هم

کارکرد برخی از نشانه‌ها با یکدیگر متضاد است و نباید در کنار هم به کار روند؛ مثلاً اگر جمله تمام شده باشد، نقطه گذاشته می‌شود؛ اگر جمله بعدی مکمل جمله باشد، از نقطه ویرگول استفاده می‌شود و اگر جمله ناقص باشد، ویرگول گزینه مطلوبی است. نمونه دیگر اینکه وقتی از «؟» و یا «!» استفاده می‌شود، نقطه لازم نیست؛ چون در این علامات نقطه هم وجود دارد. باید در درس‌نامه‌ها به این نکات تصریح شود. ضمن اینکه نباید مصداق خطاهایی از این دست در این کتاب‌ها یافت شود؛ برای مثال، در کتاب معتبر نگارش و ویرایش «!» (سمیعی، ۱۴۰۱: ۷۰) و «.» (همان: ۱۰۱) دیده می‌شود. با این حال، ذکر نشانه‌هایی مثل «!؟» و «!،» در کنار هم جایز است. همچنین اگر نقطه کاربرد جز پایان جمله داشته باشد (مثلاً بعد از حروف اختصاری)، می‌توان در کنارش از علائمی مانند ویرگول استفاده کرد. نیکوبخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳: ۳۷ و ۳۹) بر آنند که بعد از پرسش تعجبی، استفهام کنایه آمیز، استفهام تقریری و استفهام انکاری فقط باید از «!» استفاده کرد. آنان این جملات را بدون نشانه پرسشی بدین صورت آورده‌اند: «نشنیدی!» (پرسشی تعجبی)، «که گفتت برو دست رستم ببند!» (استفهام کنایه آمیز)، «آن را که سعادت به پیش

می‌برد، چگونه می‌تواند که نرود!» (استفهام تقریری) و «کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها!» (استفهام انکاری). احمدی دارانی و کرامتیان فرد (۱۴۰۱: ۷۳) ضمن موافقت با این حکم چنین استدلال می‌کنند که در جمله‌هایی که نشانه پرسش قرار دارد، خواننده منتظر پاسخ شنونده است؛ اما در این قبیل جملات خواننده انتظار پاسخ از طرف مقابل را ندارد. به نظر نگارنده، این گونه جملات به هر حال پرسشی هستند و آهنگ خیزان دارند؛ پس بهره بردن از «؟» ضروری است. در مواقعی که کلمات پرسشی (مانند: کجا) در جمله نباشند، آن جمله‌ها حالت خبری پیدا می‌کنند و استفهامی نیستند.

سرنوشت نقطه و مانند آن در انتهای علائم دربردارنده

پرکاربردترین علائم دربردارنده گیومه و پرانتز است. اگر قرار باشد جمله‌ای درون این‌ها قرار گیرد و جمله در حالت عادی نیازمند نشانه‌هایی مثل «.» یا «؟» یا «!» باشد، این نشانه‌ها قبل از گیومه یا پرانتز قرار می‌گیرند یا بعد از آن؟ اگر جمله‌ای درون گیومه قرار گیرد و ارجاع به منبع هم در ادامه باشد، مسئله پیچیده‌تر می‌شود. بیشتر منابع در این باره سکوت کرده‌اند. در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی، نشانه مربوط به پایان جمله درون گیومه و یا قبل از پرانتز می‌آید (← دیویدسن، ۲۰۰۵: ۱۶۹؛ امشه‌ای، ۱۳۴۹: ۳۰۵). البته در زمانی که گیومه‌ای در درون گیومه دیگری در انتهای جمله می‌آید، نشانه گذاری دشوار می‌شود (دیویدسن، ۲۰۰۵: ۱۷۹). در منابع فارسی، نجفی (۱۳۷۶: ۱۵۳ و ۴۱۸) و فتوحی (۱۳۹۵: ۴۳ و ۴۴) در انتهای نقل قول در گیومه نقطه نمی‌گذارند و آن را به پس از بستن پرانتز ارجاع درون‌متنی احاله می‌کنند. فتوحی در مواردی که نیاز به پرانتز نیست، نقطه را پس از بستن گیومه می‌آورد؛ اما نجفی عموماً بر خلاف این عمل می‌کند. با توجه به اینکه نقطه پایان جمله در نظر می‌آید و مرزی میان آن و جمله بعدی تلقی می‌شود، آوردن نقطه در انتهای تمام علائم توجیه‌پذیر است. ضمناً این نشانه‌ها ارتباط جمله بعدی با جمله قبلی را هم نشان می‌دهند؛ مثلاً اگر بعد از جمله نخست «» بیاید، بیانگر ارتباط قوی معنایی آن با جمله بعدی است. در این صورت اگر نقطه ویرگول خارج از گیومه بیاید، بهتر است. در مورد پرانتز، برخی از نقطه بعد از جمله و نیز بعد از ارجاع به منبع درون پرانتز استفاده کرده‌اند؛ مثل لغتنامه دهخدا که در انتهای شواهدش نقطه آمده و پس از بسته شدن پرانتز مشتمل بر نام کتاب مجدداً نقطه گذاشته شده است (برای نمونه، ← ذیل لغت «دور دست»). در بعضی منابع هم نقطه را قبل از بستن گیومه آورده‌اند (مثل محمدی‌فر، ۱۳۸۱: ۴۸۷؛ بابایی، ۱۴۰۱: ۲۷۸؛ احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۵۲) و معتقدند در

ارجاعات درون‌متنی، نقطه قبل از ارجاع می‌آید؛ زیرا ارجاع موضوعی زاید بر متن به شمار می‌رود (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۴). سمیعی در کتاب نگارش و ویرایش ظاهراً چنین قصدی داشته است؛ اما نمونه‌های متناقضی هم دیده می‌شود که در آن نقطه بعد از بستن گیومه آمده است (← سمیعی، ۱۴۰۱: ۷۵، ۹۲ و ۱۰۹). صلح‌جو (۱۳۹۴: ۲۳۰ و ۲۳۱) در زمان برخورد ویرگول و گیومه، حق تقدّم را به ویرگول می‌دهد و این مثال را ذکر می‌کند: این آمار مبتنی است بر انتشار جزوه‌های «جلد سفید»، بازاری، و پرفروش. این روش در فارسی رایج نشده است؛ زیرا ویرگول جداکننده اصطلاح «جلد سفید» از بازاری است.

نیکوبخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳: ۵۷) معتقدند: در صورتی که قبل از گیومه نقل قول مستقیم دونقطه بیاید، بعد از بسته شدن گیومه نیازی به نقطه نیست؛ اما اگر قبل از باز شدن گیومه دونقطه نیاید، علاوه بر نشانه نقل قول مستقیم داخل گیومه - که ممکن است نقطه، علامت تعجب یا پرسش باشد - بعد از بسته شدن گیومه نیز نقطه می‌آید.

همچنین آن‌ها (همان: ۵۸) بر آنند که: در نقل قول جملات پرسشی و عاطفی شایسته است جمله نقل قول مستقیم داخل گیومه قرار گیرد و با توجه به وجه جمله نقل قول داخل گیومه، علامت مناسب گذاشته شود؛ در این صورت لازم است بعد از گیومه نیز متناسب با جمله قبل از نقل قول مستقیم، علامت مناسب آورده شود... مثال: چه کسی می‌داند «الآن من چه گفتم؟»؟ این روش به دلیل زاید به نظر رسیدن برخی نشانه‌ها (گیومه و یکی از نشانه‌های پرسش) در فارسی رایج نشده است. ضمن اینکه حتی المقدور باید از ازدحام نشانه‌ها پرهیز کرد.

در این خصوص، پیشنهاد غلامحسین‌زاده (۱۳۹۶: ۵۴) طبیعی‌تر و منطقی‌تر است: نشانه نقطه نیز فقط در صورتی در پایان مطلب داخل گیومه می‌تواند بیاید که منحصرأ مربوط به آن باشد و خود گیومه نیز در پایان جمله‌ای که گیومه جزء آن است، قرار نگرفته باشد؛ در صورتی که وضع اخیر پیش‌آید، به جای اینکه یک نقطه در داخل گیومه برای پایان مطلب آن و یک نقطه در بیرون گیومه برای پایان جمله اصلی بگذاریم، ترجیح دارد فقط نقطه بیرون گیومه را بگذاریم؛ اما لازم است یادآوری شود که به کار بردن نشانه‌های عاطفی و پرسشی در پایان مطلب داخل گیومه مانعی ندارد.

فاصله‌گذاری

در بیشتر کتاب‌های آموزشی نگارش و ویرایش سخنی در این خصوص دیده نمی‌شود؛ البته در کتاب *راهنمای آماده ساختن کتاب* (ادیب سلطانی، ۱۳۶۵) که از قدیمی‌ترین منابع در این زمینه است، برای هر نشانه به تفکیک نکاتی آمده است. نیکویخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳) نیز نکات پراکنده‌ای ذکر کرده‌اند. ساده‌ترین روش آموزش این مسئله تقسیم نشانه‌ها به سه گروه است:

جدول ۴ تقسیم‌بندی نشانه‌ها از نظر فاصله‌گذاری

*	()	.
-	«»	,
←	[]	؛
/	{}	:
		...
		؟
		!

در ستون سمت راست جدول ۴ با نشانه‌هایی روبه‌رویم که در آن‌ها نقطه دیده می‌شود. از این منظر، شاید تنها نشانه مبهم «» باشد؛ این نشانه هم نقطه‌ای است که زاید‌ای دارد. قانون فاصله‌گذاری نشانه‌های مندرج در ستون سمت راست بدین صورت است: پیش از علامت فاصله نباشد؛ اما پس از آن یک فاصله آورده شود. دسته دوم علامت‌های دربردارنده و جفتی‌اند. پیش و پس از این‌ها فاصله می‌آید، ولی درونشان نباید فاصله باشد. دسته سوم هم در دو طرف خود فاصله لازم دارند. ضروری است استثنائاتی در این رابطه در نظر گرفته شود؛ مثل زمانی که نشانه در ابتدای بند باشد که در این حال قبش بدون فاصله است یا اگر دو نشانه چسبیده به هم استفاده شوند که در این صورت قانون فاصله‌گذاری یکی از آن‌ها (معمولاً نشانه‌های دسته سمت راست جدول) اعمال می‌شود. زمانی نیز که خود نشانه در جمله مد نظر باشد، در دو سمتش فاصله می‌آید. تبصره‌هایی هم درباب برخی نشانه‌ها درخور توجه است؛ مانند «...» که اگر جانشین کلمه یا کلمات محذوف درون جمله باشد، از هر دو سو فاصله می‌گیرد. «/» هم اگر میان رقم‌های یک عدد و یا حروف یک کلمه باشد، از هر دو طرف بی‌فاصله است. فاصله‌گذاری «...» و «/» در منابع آموزشی به صورت نایکدست و سلیقه‌ای است؛ برای نمونه فتوحی در

فاصله گذاری ممیز متفاوت عمل کرده، اما عموماً پیش از آن فاصله نگذاشته است (← فتوحی، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۳). همچنین او قبل و بعد از سه نقطه از فاصله استفاده کرده است (همان: ۴۴). اگر (...) در پایان جمله بیاید، از علامت‌هایی که معمولاً پایان جمله به کار می‌رود (همچون: نقطه و نشانه پرسشی)، چگونه استفاده می‌شود؟ در بیشتر مواقع همین سه نقطه می‌تواند پایان بخش جمله باشد، اما در صورت لزوم بهتر است یک فاصله میان این علامت و نقطه و جز آن ایجاد کرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۴۴)؛ اگرچه نیکوبخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳: ۸۳) نداشتن فاصله را ترجیح داده‌اند.

تناقض‌های درون‌متنی در منابع آموزشی

در میان جملاتی که در خود این منابع آموزشی مندرج است، ایراداتی دیده می‌شود که متناقض با آموزش‌های همان کتاب و یا متفاوت با کاربردهای دیگر علامتی خاص در همان اثر است. مسلماً شخصی که به قصد یادگیری به این آثار رجوع می‌کند، با دیدن این تفاوت‌ها دچار تردید در یادگیری می‌شود. شواهد متعددی از این امر در کتاب‌های گوناگون وجود دارد. در اینجا برای رعایت اختصار صرفاً برخی از شواهد دو کتاب معتبر نگارش و ویرایش (سمیعی، ۱۴۰۱) و دانش‌نشانه‌گذاری در خط فارسی (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳) مرور می‌شود:

- سمیعی (۱۴۰۱: ۳۱۰) جای عدد تُک (عدد ریز برای ارجاع به پانوش) را در صورتی که به تمام جمله مربوط باشد، پس از نشانه پایان جمله می‌داند؛ اما شواهدی که عدد تُک را پیش از نقطه آورده است، دیده می‌شود (← همان: ۴۴، ۵۲ و ۵۳).

- او بر آن است که پس از پانوش‌هایی که به صورت جمله نیستند، نباید نقطه گذاشت (همان: ۲۹۶). نمونه‌هایی از عبارت‌های مذکور در پانویس که پس از آن‌ها نقطه آمده است، در این کتاب دیده می‌شود (← همان: ۵۰ و ۲۵۲).

- سمیعی یکی از کاربردهای خط را نشان دادن هر یک از اقسام می‌داند؛ در زمانی که شماره‌گذاری آن‌ها لازم نباشد (همان: ۳۰۴). با این حال برای نشان دادن تعدادی از عبارت‌های آغازین و پایانی نامه‌ها (همان: ۱۴ و ۱۵) از این نشانه استفاده نکرده است. از ظاهر این مثال‌ها نمی‌توان دریافت که هر کدام نمونه‌ای مستقل‌اند. ضمناً او در دیگر موارد (مثلاً در کاربردهای مختلف همان «خط») از نیم خط استفاده کرده که کوتاه‌تر از خط است.

- در یک صفحه از همین کتاب (همان: ۱۸)، دو بار کلمه «زیرا» با دو ساختار مشابه در جملات قبل و بعد آمده است؛ پیش از یکی از نقطه و پیش از دیگری از ویرگول استفاده شده است. در هر دو مورد باید از نقطه و ویرگول بهره برده می‌شد که هم از نظر ظاهر و هم از حیث عملکرد میان دو نشانه به کار رفته است. این نایکدستی پیش از کلماتی مانند «مثلاً»، «ولی» و «اما» هم دیده می‌شود. در ساختاری یکسان قبل از «مثلاً» از نقطه (همان: ۱۸۸)، نقطه و ویرگول (همان: ۱۱۶) و دونقطه (همان: ۱۲۸) استفاده شده است. البته برخی همانند صلح جو (۱۳۹۴: ۲۲۷) معتقدند که جمله بعد از نقطه و ویرگول باید از نوع کامل باشد و خواننده باید آن را با آهنگ آغاز جمله بخواند. از این منظر نباید پیش از جملاتی که با «زیرا»، «مثلاً» و مانند این‌ها آغاز می‌شوند، نقطه و ویرگول گذاشت. البته نمونه‌هایی از این نوع کاربرد در کتاب او هم وجود دارد (همان: ۲۳۶، ۲۴۵ و ۲۶۲).

- در میان کاربردهایی که نیکویخت و قاسم‌زاده (۱۳۹۳: ۵۱-۵۳) برای نقطه و ویرگول ذکر کرده‌اند، توجیهی برای استفاده از این علامت در جملات زیر منقول از همان منبع دیده نمی‌شود:

* علاوه بر وجود نشانه‌هایی چون مدّ، تشدید و مصوت‌های کوتاه فتحه، ضمّه، کسره، علائم نصب و جرّ و ضمّ عربی؛ حروف پرنقطه و پردندانه در زبان فارسی چندین برابر حروف زبان‌های اروپایی چون انگلیسی و فرانسوی است (همان: ۲۳).

* روشن است در این جملات؛ یعنی جملات پرسشی و عاطفی، قرار دادن دونقطه در معنا و مفهوم جملات ایجاد اشکال می‌کند (همان: ۵۸).

- نیکویخت و قاسم‌زاده در زمان ذکر کلمات یا عبارات همپایه و هنگام عطف دو مورد آخر با «و» گاه از ویرگول هم استفاده کرده‌اند که اشتباه است، مانند: «این واژه‌ها به تنهایی استقلالی ندارند؛ مانند آن‌که، این‌که، و....» (همان: ۱۴۱؛ ← همان، ۱۰۱).

نتیجه

این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش نشانه‌های نگارشی در کتاب‌های درسی نگارش و ویرایش فارسی با کاستی‌ها و اختلافات چشم‌گیری مواجه است. نخست آنکه در منابع بررسی شده، انسجام مفهومی و اصطلاحی وجود ندارد؛ به گونه‌ای که برای بسیاری از نشانه‌های رایج، نام‌ها و تعریف‌های گوناگون و گاه متناقضی ارائه شده است. این ناهماهنگی نه تنها فرایند یادگیری را دشوار می‌سازد، بلکه ممکن است به سردرگمی و

برداشت‌های نادرست در کاربرد نشانه‌ها منجر شود. افزون بر این، برخی منابع تعاریف نا دقیق یا ناقصی از نقش و کاربرد نشانه‌ها ارائه داده‌اند که موجب ابهام در یادگیری می‌شود. از سوی دیگر، بعضی نشانه‌ها با وجود ناسازگاری با ساختار خط فارسی، همچنان در منابع درسی رسمیت یافته‌اند. در مقابل، به نشانه‌های نوظهوری که در فضای نوشتاری دیجیتال و رسانه‌های جدید رایج شده‌اند، کمتر توجه شده است. با توجه به تحولات ارتباطی و رسانه‌ای امروز، بازنگری و روزآمدسازی محتوای کتاب‌های آموزشی مرتبط با نشانه‌های نگارشی، بیش از پیش احساس می‌شود. در عین حال، هرچند اظهار نظر متخصصان این حوزه و ارائه دیدگاه‌های مختلف آنان امری طبیعی و ضروری است، باید مرجعی واحد درخصوص موارد اختلافی تصمیم‌گیری کند. همان‌گونه که فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه‌های دستور و شیوه‌املائی خط فارسی و نیز واژه‌گزینی فعالیت‌های درخور توجهی انجام داده است، شایسته است در حوزه نشانه‌گذاری نیز نقش فعالی ایفا کند. تدوین و ترویج ضوابطی علمی، منسجم و متناسب با خط فارسی را می‌توان گامی مؤثر در جهت رفع نابسامانی‌ها و ارتقای کیفیت آموزش و به‌کارگیری نشانه‌های نگارشی به‌شمار آورد. این ضوابط باید ضمن توجه به پیشینه و تحولات تاریخی نشانه‌گذاری در فارسی، نیازهای نوشتاری امروز را نیز در نظر گیرد و راهنمایی جامع و کاربردی برای نگارندگان، ویراستاران، مدرّسان و دانشجویان فراهم آورد. تنها از طریق چنین رویکردی است که می‌توان به سامان‌دهی آموزش نشانه‌های نگارشی فارسی امید بست و از آشفتگی‌های موجود کاست.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۶)، راهنمای زبان‌های باستانی ایران، جلد اول، تهران: سمت.
- احمدی دارانی، علی‌اکبر و طناز کرامتیان‌فرد (۱۴۰۱)، «نقد و تحلیل شیوه‌نامه‌های نگارش و ویرایش فارسی (مطالعه موردی: نشانه‌گذاری)»، فنون ادبی، شماره ۴، ص ۵۹-۹۰.
- احمدی گیوی، حسن (۱۳۹۲)، از فن نگارش تا هنر نویسندگی، تهران: سخن.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۸۴)، آخر شاهنامه، تهران: زمستان و مروارید.
- ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین (۱۳۷۴)، راهنمای آماده ساختن کتاب، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- افشاری، رحمان (۱۳۹۵)، ویرگول‌گذاری و مبانی نظری آن، تهران: مهراندیش.
- اقتصادی‌نیا، سایه (۱۴۰۲)، له و علیه ویرایش، تهران: ققنوس.
- امشه‌ای، ابوالقاسم (۱۳۴۹)، نشان‌گذاری در زبان فرانسه، تهران: دانشگاه تهران.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۶)، گل‌ها همه آفتابگردانند، تهران: مروارید.
- امینی، سید کاظم (۱۳۹۵)، آیین نگارش مکاتبات اداری، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- انوری، حسن و علی محمد پشت‌دار (۱۳۸۲)، آیین نگارش و ویرایش ۱، تهران: دانشگاه پیام نور.
- انوری، حسن و یوسف عالی عباس‌آباد (۱۳۹۰)، فرهنگ درست‌نویسی سخن، تهران: سخن.
- انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- بابایی، رضا (۱۴۰۱)، بهتر بنویسیم، قم: ادیان.
- پژوه، محمد (۱۳۴۶)، نشانه‌گذاری، تهران: کانون کتاب.
- جهانبخش، جويا (۱۳۷۸)، راهنمای تصحیح متون، تهران: میراث مکتوب.
- حری، عباس (۱۳۸۵)، آیین نگارش علمی، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- خندان، احمد (۱۳۹۴)، کتاب‌شناسی درست و غلط در زبان فارسی، تهران: کتاب بهار.
- دهخدا، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۵)، آموزش ویراستاری و درست‌نویسی، تهران: علم.
- رواقی، علی (۱۴۰۰)، سروده‌های رودکی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۳۹۵)، آیین نگارش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۴۰۱)، نگارش و ویرایش، تهران: سمت.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، نگاهی تازه به بدیع، تهران: میترا.
- صاحب‌جمعی، حمید (۱۳۷۷)، «درباره نقطه‌گذاری»، ایران‌شناسی، شماره ۳، ص ۵۷۱-۵۷۷.
- صادقی، علی‌اشرف و همکاران (۱۳۹۲)، فرهنگ جامع زبان فارسی، جلد اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صافی، قاسم (۱۳۹۸)، آیین نگارش و ویرایش، تهران: ارسباران.
- صفرزاده، بهروز (۱۳۹۶)، دست‌نامه ویرایش، تهران: کتاب سده.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۴۰۰)، اصول و منابع تصحیح متون، تهران: سمت.

- صلح جو، علی (۱۳۹۴)، نکته‌های ویرایش، تهران: مرکز.
- طریقه‌دار، احمد (۱۴۰۰)، انواع ویرایش، قم: بوستان کتاب.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۶)، راهنمای ویرایش، تهران: سمت.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۵)، آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، تهران: سخن.
- قروینی، محمد (۱۳۸۸)، یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، جلد نهم، تهران: دانشگاه تهران.
- ماحوزی، مهدی (۱۳۸۳)، گزارش نویسی، تهران: زوآر.
- محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۸۱)، شیوه‌نامه ویرایش، جلد پنجم: نقطه‌گذاری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مؤسسه لغتنامه دهخدا (۱۳۸۹)، لغتنامه فارسی (بزرگ)، جلد هفتم، تهران: دانشگاه تهران.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۶)، غلط نویسیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نیکویخت، ناصر و سیدعلی قاسم‌زاده (۱۳۹۳)، دانش نشانه‌گذاری در خط فارسی، تهران: چشمه.
- هدایت، صادق (۱۳۳۳)، سه قطره خون، تهران: بی‌نا.
- هروی، ابومنصور موفق، الابنیه عن حقایق الادویه، نسخه خطی به شماره A.F. 340 کتابخانه ملی اتریش (وین).
- هوشنگی، مجید (۱۴۰۱)، «بررسی کاربرد نشانه‌سجاوندی سه نقطه (تعلیق) در شعر معاصر»، ادبیات پارسی معاصر، شماره ۲، ص ۲۸۵-۳۱۱.
- یاقتی، محمدجعفر و محمد مهدی ناصح (۱۳۷۷)، راهنمای نگارش و ویرایش، مشهد: به‌نشر.
- یعقوبی جنبه‌سرایبی، یارسا و معصومه منتشلو (۱۳۹۱)، «سهم علائم ویرایشی در داستان‌پردازی پسامدرن فارسی»، ادب پژوهی، شماره ۲۲، ص ۱۵۵-۱۷۲.
- Davidson, George (2005), How to Punctuate, London: Penguin books.